

چار پاشان **شتری** خرمنه و نام ستاره الیت معروف **شتری** بریان کرده شده **حلی**
 صلوات زمستانه و نماز کننده و در آتش آینه و آب که در پای پیشین و در **صلی**
 و انما **مغنی** بالغ و شکریه که نشین و رفتن و معنی بهره در آخر و پیشین است چنانکه
مطایبی مشکین و نور و جامع مطوی است **مطوی** چینی شده **مطایبی** شافعی زبان
 که در من القاموس **حلی** بلندیها و بزرگها و دیدها و برینها که در جمع معالاست **مکای**
 خرمنه و در آیه و جمله **مغنی** بر و در **مغنی** خواننده **مغنی** گزارده شده **مغنی** بالغ و
 یا زمان و در زوایا و از زمان **مغنی** یا **مغنی** بالغ اندازه کردن و بتکدید یا آریست
مغنی باز داشته شده **مغنی** بالغ و کشف و ماکنده و فارسیان یعنی نذر استوار است
 و باقی در عوالمی یا معنی بالغ و ال یا دارا اما که پیش فارسین شعار است چون موسیقی و
 و یا بی جانکه در لغت مشاوی که در **باب النون مع الالف** یعنی بیرون آ
 آمدن از جای بجای و معنی سنی اراده کرده اولا که گفت حضرت رسالت بنا به علم
 یا بی ادب یعنی برآینده از آنکه نیند و حضرت رسالت **حلی** است علیه و سلم و الوفا
 نمود **و یا** یعنی آگاهی و خبر **نوعی** یعنی نون و یا مثلثه و الف تا هر قلوب خبر و یا
 و حدیث کردن چیزی و شایع کردن و تعریف و برآینده کردن چیزی بر آنکه از جای نود
 بیرون آمدن و یا ماس کردن و شش و مطلع شدن بر کسی و مالیدن و رسیدن
 و خبر و بل بر آمدن **مشا** یعنی نون و یا مثلثه و الف تا هر قلوب خبر و یا
 کردن چیزی و شایع کردن و تعریف و برآینده کردن چیزی **مجا** بالغ بر آمدن و شایع
 شدن و معنی گرفتن **مجا** و برآینده کردن و برآینده کردن **مغنی** یعنی پیشین و معنی
 مردم را بدو است خواندن و بعضی در آنکه از آن **نوعی** بالغ بر آید کردن **نوعی** بالغ و
 زیر خاک کردن و در آتش کردن کماج و مان و کوشش و گریه و ناخوش نمودن **نوعی**
 بالغ و بالغ و ال یا معنی پیشینان هر دو جمع ندم و ندای جمع ندان یعنی پیشینان نیز آمده

معنی شتری
 و در لغت
 معنی شتری

نوعی بالغ

تجرب بالغ و پیشین تمامی انگلند میان قوم و محل کردن و بر حسب نبر ماهه **نشا** بالغ
 بر آمدن و بانگ برآینده شتر را و تا آخر کردن و زمین دادن **نشا** مال و مالک تا آخر در
 عمر و با برآینده اختن دام از کسی و در آن **نشا** بالغ و بی بدست کشیده از سر بر آن
 و ساق **نشا** و آفریدن و نوبه شدن و نشا سینه کردن با بوی که و با خوشبوی و بوی
 خوش **نشا** بالغ بر آید شدن و بانگ برآینده شتر **نشا** بالغ ماهه از مغف برآینده
نشا بالغ که از بانگ برآینده و بانگ برآینده شتر **نشا** بالغ ماهه از مغف برآینده
 دو سه طرف و زود و با و کج یعنی آنکه از کج و از کج چهار ما و مشهور نوز و آن نیز چهار است
 یکی آنکه در میان صیا و جنوب و زود و آرا از قریب بزا و با در خطی که نیندوم آنکه در میان
 صبا و شمال و زود و آرا صبا و کج که نیندوم آنکه در میان شمال و زود و آرا
 و در آن کجها کونید چهارم آنکه میان جنوب و زود و آرا و از آن جهت کونید **نشا** و از آن
 کردن و زیاده شدن و کران شدن و رخ و بلند شدن در رسیدن **نشا** بالغ که با بی خط
 استن و افخادن و فروب کردن منزلی از منازل قمر و طلوع کردن مقابل آن منزل **نشا**
 بلکه شتری کردن **نشا** یعنی شتر خا و در آن نوا و در دو دست بدین معنی از آنجا
 امام نوآوری و شایع و دوری و منزل **مع الجواب** بدانند شتر و کمتر
 و ماده شتر کلان سال و معنی خالص نیز آمده اما بدین معنی فارسی است **نشا**
 بالغ پوست زردشت باز کردن **نشا** شتر که نیده **نشا** جمع و در اصل **نشا**
 بالغ نذر کردن و بنشاندن **نشا** اول و در آید شدن و در کج **نشا** بالغ بر آمدن
 و انتخاب کردن **نشا** بالغ بر آمده کربن و بر شتر و در آن **نشا** بالغ بر آمدن
 در حاجت و اسب نر و و **نشا** که در آن **نشا** در حاجت **نشا** یعنی اصل و نوا
 از آنکه از کونید **نشا** منزل کفین **نشا** بالغ مال و آب و زمین و در آن **نشا**
 چیزی **نشا** بالغ و کج بدین معنی **نشا** هر و با **نشا** بالغ بر آید کردن

نشا